

ارتکاب جرم در مقام ضابط دادگستری

«بررسی و نقد رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور»

چکیده

مطابق ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطان به دو دسته ضابطان عام و خاص تقسیم‌بندی شده‌اند. این تقسیم‌بندی مبتنی بر صلاحیت ایشان در همه یا طیف خاصی از جرائم انجام شده است. برابر مواد ۳۰ و ۳۶ این قانون، مأمور برای اینکه در جایگاه «ضابط» اعم از عام یا خاص قرار گرفته و گزارش وی از اعتبار قانونی و قضایی برخوردار باشد می‌بایست شرایطی را دارا باشد. این شرایط برخی مربوط به خود مأمور و برخی دیگر راجع به گزارش تنظیم‌شده توسط وی هستند. بر اساس ماده ۳۰، «احراز عنوان ضابط دادگستری» در کنار دیگر شرایط نیازمند «تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری» است. واضح است اگر شرایط این ماده از جمله کارت ویژه را نداشته باشد، ضابط تلقی نشده و نمی‌تواند در این جایگاه مداخله‌ای در کشف یا تحقیق جرائم داشته باشد. علی‌رغم تصریح ماده ۳۰ اما هیئت عمومی دیوان عالی کشور طی رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ اشخاص فاقد شرایط ماده ۳۰ و مأمورانی که فاقد کارت ضابط بودن هستند را «ضابط» تلقی و رسیدگی به جرائم ایشان را در صلاحیت محاکم عمومی دانسته است. پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌مندی ابزار کتابخانه‌ای ضمن تحلیل رویه قضایی درصدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است که آیا اشخاصی را که فاقد شرایط مقرر در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری از قبیل کارت ویژه هستند واقعاً می‌توان «ضابط دادگستری» تلقی کرد یا خیر؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ با تفسیر غایی ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری سازگار نیست و پذیرش آن موجب توسعه عنوان ضابط به اشخاص فاقد کارت ویژه و در نتیجه، اعتباربخشی به اقدامات و گزارش‌های آنان خواهد شد؛ امری که با حقوق و آزادی‌های شهروندی در تعارض است.

واژگان کلیدی؛ جرم، ضابط دادگستری، صلاحیت، دادگاه، کارت ویژه

در مقررات کیفری (و غیر کیفری) فعلی مأموران متعددی هستند که بنابر تصریح قانون عنوان «ضابط» را پیدا کرده و اجازه مداخله در راستای کشف و انجام تحقیق درباره جرائم را پیدا کرده‌اند. مطابق ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری: «مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می‌کنند». مشخص است اختیارات گسترده‌ای برای ضابطین در ماده ۲۸ منظور شده است که ارتباط مستقیمی با حقوق و آزادی‌های شهروندان دارد (شاهد، ۱۴۰۴: ۲۸۶). ایشان این اجازه را یافته‌اند که در صورت مشاهده وقوع جرم مداخله کرده، آثار و ادله جرم را جمع‌آوری کرده، صحنه جرم را حفظ کنند، مرتکب یا مرتکبان را دستگیر و تحت نظر قرار دهند و حتی در آینده پس از ورود مرجع قضایی و آغاز تعقیب، بر اساس دستورات مقام قضایی، مبادرت به انجام تحقیقات مختلف از قبیل، بازجویی، تفتیش و بازرسی از اماکن و... نمایند. ضابطینی که مطابق قانون از چنین اختیارات گسترده‌ای برخوردار هستند بر اساس ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری به دو دسته ضابطین عام و خاص تقسیم‌بندی شده‌اند. مطابق این ماده ضابطه تفکیک ضابطین عام و خاص، بر مبنای صلاحیتی است که برای مداخله در همه جرائم ارتكابی به‌استثنای موارد مشخصی که به نحو صریح از صلاحیت ایشان خارج شده است (ضابط عام) و مداخله در جرائم یا وضعیت‌های مشخص و تصریح‌شده توسط قانون (ضابط خاص) به ایشان اعطا شده است. مأموران برای اینکه عنوان ضابط دادگستری را کسب و اجازه مداخله پیدا کنند می‌بایست دارای شرایطی باشند و در صورت فقدان یک یا چند مورد از این شرایط، گزارش یا تحقیق انجام‌شده توسط ایشان از اعتبار قانونی برخوردار نخواهد بود.

ضابطین دادگستری در جریان مداخله برای کشف یا انجام تحقیقات ممکن است شخصاً نیز مرتکب جرم یا جرائمی بشوند. فرض شود ضابط دادگستری در جریان انجام یک اقدام تفتیش و بازرسی از یک منزل با صاحب‌خانه درگیر شده و یا به وی فحاشی نماید، یا اینکه یک یا برخی از وسایل موجود در این مکان را سرقت نماید یا اینکه حتی مرتکب قتل گردد، پرسش اینجاست که دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم یا جرائم ارتكابی این شخص کجاست؟ بنابر نص صریح اصل ۱۷۲ قانون اساسی و همچنین ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری به جرائمی که مأموران در مقام ضابط دادگستری مرتکب می‌شوند در محاکم عمومی (در مقابل محاکم نظامی) رسیدگی می‌شود؛ بنابراین تکلیف ارتكاب جرم در مقام ضابط دادگستری را قانون‌گذار به نحو صریح مشخص کرده است؛ اما در اینجا یک پرسش دیگر و مهم‌تر ایجاد می‌شود، اینکه اگر فرد مداخله‌کننده، مأمور بوده اما کارت ویژه ضابط بودن را نداشته باشد، آیا همچنان «ضابط» تلقی شده و به جرم ارتكابی وی در محاکم عمومی می‌بایست رسیدگی شود یا به اعتبار نظامی بودن وی و اینکه یک جرم نظامی را مرتکب شده است صلاحیت رسیدگی به اتهام وی با سازمان قضایی

نیروهای مسلح است؟ با توجه به اختلاف نظری که در میان محاکم در این رابطه وجود داشت، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ در مورخه ۱۴۰۳/۰۳/۲۲ این گونه مأموران را ضابط شناخته و زسیدگی به ارتکاب جرم در مقام ضابط را در صلاحیت محاکم عمومی دانسته است. پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌مندی از ابزار کتابخانه‌ای با هدف یافتن پاسخی برای پرسش مطرح‌شده در بالا، قصد دارد رأی وحدت رویه صادره را در بوته نقد و بررسی قرار داده و چالش‌های مترتب بر آن را موضوع یک پژوهش مستقل قرار دهد. امری که تاکنون به صورت مستقل به آن پرداخته نشده و از این نظر پژوهش حاضر حائز نوآوری است. در بادی امر ضرورت دارد با بررسی شرایط لازم برای احراز عنوان ضابط بودن و شرایطی که برای تجویز مداخله ضابطين در قوانین فعلی لازم هستند به بحث اصلی پژوهش یعنی مسئله صلاحیت مراجع کیفری در صورت ارتکاب جرم در مقام ضابط پرداخته شود.

۱. شرایط لازم برای مداخله مؤثر به عنوان ضابط دادگستری

برای اینکه یک مأمور یا به تعبیر رأی شماره ۸۴۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، یک «شخص» بتواند در مقام ضابط دادگستری امکان مداخله در کشف یا تحقیق جرائم را داشته باشد، شرایطی لازم است. بعضی از این شرایط اختصاص به شخص ضابط داشته و برخی دیگر درباره کیفیت گزارش یا تحقیقی است که وی به انجام رسانیده و تنظیم می‌نماید.

۱-۱. شرایط شخص ضابط

مأمورین برای اینکه تحت عنوان ضابط دادگستری اجازه مداخله پیدا نمایند می‌بایست مطابق قانون سه شرط مهم را دارا باشند؛ اول، بر اساس ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری دوره‌های آموزشی را زیر نظر مرجع قضایی مربوط گذرانده باشد. این دوره‌های آموزشی علی‌القاعده شامل مباحثی در راستای آشنایی ضابطين با مفاهیم جرم و ارکان آن، انواع جرائم، مصادیق جرائم مشهود و غیرمشهود و میزان اختیارات ایشان در هر دسته از این جرائم است (خالقی، ۱۴۰۴: ۷۶). آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط قضایی در سال ۱۳۹۸ به تصویب رئیس قوه قضایی رسیده و این آموزش‌ها در حال حاضر بر اساس آن انجام می‌گیرد. دوم، ضابط می‌بایست پس از دریافت آموزش‌های لازم موفق به تحصیل کارت ویژه ضابط بودن گردد. مطابق ماده ۱۲ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۸ رئیس قوه قضاییه، «کارت ویژه ضابط دادگستری پس از احراز وثاقت ضابط و دریافت گواهینامه گذراندن دوره آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و به دستور دادستان توسط نهاد متبوع ضابط صادر می‌شود»؛ بنابراین ممکن است شخص حتی پس از گذراندن دوره آموزشی، از عهده آزمون نهایی برنیامده و موفق به اخذ کارت نگردد. سوم، شرط دیگر که می‌بایست در ضابط احراز گردد وثاقت و مورد اعتماد بودن است. این شرط هم

در ماده ۳۰ و هم در آیین‌نامه اجرایی سال ۱۳۹۸ مورد تأکید قرار گرفته است. البته در این آیین‌نامه شرط صدور کارت ویژه، احراز وثاقت توسط دادستان مربوط دانسته شده است. همچنین شرط تمدید کارت نیز بنابر تبصره ۱ ماده ۱۴ آیین‌نامه، «تأیید استمرار وثاقت» توسط دادستان است. ظاهراً این‌گونه استنباط می‌شود در صورتی که مأمور کارت ویژه ضابط بودن را دریافت کرده است در واقع به معنی احراز عنوان وثاقت در وی نیز هست و نیاز نیست در هر مورد به صورت خاص، شرط وثاقت درباره مأمور مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد؛^۱ اما گفتنی است این وثاقت ممکن است برای دادستان احراز شده باشد؛ اما برای دیگر مقام‌های قضایی مستقر در دادسرا یا دادگاه به دلیل اینکه ممکن است به صورت موردی با ضابطین ارتباط داشته و ایشان را نشناسند نیاز باشد این وثاقت یا اطمینان احراز شده تا گزارش ایشان از اعتبار قانونی برخوردار باشد.

۱-۲. شرایط گزارش ضابط

اما علاوه بر اینکه ضابط می‌بایست شرایط بالا را دارا باشد گزارش تنظیم شده توسط ایشان در صورتی از اعتبار قانونی برخوردار است که دربرگیرنده دو شرط دیگر نیز باشد؛ اول، بر اساس ماده ۳۶ قانون، این گزارش می‌بایست «برخلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نباشد». به عنوان مثال اگر ضابط در گزارش خود شخصی را مرتکب جرم معرفی کرده اما قرائن یا ادله دیگری مانند فیلم دوربین مداربسته، گزارش آزمایشگاه و... در دسترس بازپرس یا دادگاه قرار گرفته که نشان‌دهنده این باشد که مرتکب نه شخص معرفی شده توسط ضابط بلکه دیگری است قاضی گزارش ضابط را کنار خواهد گذاشت. دوم، گزارش ضابط نه تنها می‌بایست برخلاف اوضاع و احوال قضیه نباشد بلکه بر اساس ادامه ماده ۳۰ لازم است که «بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شود». این عبارت در کنار دیگر مواد متعددی که در قانون آیین دادرسی کیفری وجود داشته، از جمله ماده ۲ این قانون، بر یکی از اصول مهم حاکم بر دادرسی کیفری تأکید دارند که در قوانین سابق به چنین صراحتی مقررهای درباره آن وجود نداشت؛ «اصل قانونی بودن دادرسی کیفری» (ساقیان و اسلامی، ۱۴۰۰: ۱۳۹). بر اساس این اصل مصرح در ماده ۲ و همچنین موادی دیگر مانند ماده ۳۶، تمام مراحل دادرسی از جمله اقدامات ضابطین دادگستری لازم است که برابر قانون و مطابق شرایط و ضوابط قانونی به انجام رسیده باشند؛ بنابراین اگر ضابط خلاف مقررات قانونی حاکم بر تفتیش اماکن و اشیاء (ماده ۵۵) مبادرت به بازرسی از یک منزل کرده و در اثر آن، ادله‌ای را علیه متهم یافته باشد مطابق ماده ۳۶ این ادله مکشوفه از اعتبار قانونی برخوردار نبوده و می‌بایست کنار گذاشته شود. در رویه قضایی نیز

^۱ به این خاطر است که در ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی مقرر شده که «چنانچه ضابطانی که برای آنها کارت ویژه ضابط دادگستری صادر گردیده، فاقد شرایط قانونی گردند؛ به تشخیص دادستان یا رئیس حوزه قضایی بخش نسبت به ابطال کارت آنها اقدام خواهد شد...».

آرای متعددی مبنی بر کنار گذاردن ادله حاصل از اقدامات غیرقانونی ضابطین در دسترس است.^۲ یا اینکه اگر ضابط در نتیجه یک بازجویی همراه با اغفال، اجبار یا شکنجه، اقرار، شهادت یا سوگندی از شخص اخذ کرده باشد چنین دلیلی مطابق اصل قانون بودن دادرسی، اصل ۳۸ قانون اساسی و ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی بی اعتبار بوده و کنار گذارده می شود.

پس از بیان شرایط لازم برای اقدام به عنوان ضابط دادگستری، پرسش این است که اگر چنین مأموری در مقام ضابط دادگستری مرتکب جرمی گردید چه دادگاهی از نظر ذاتی صلاحیت رسیدگی به اتهام وی را دارد؟

۲. ارتکاب جرم در مقام ضابط دادگستری و مسئله صلاحیت ذاتی

در این بخش، طی دو قسمت ابتدا جلوه های ارتکاب جرم در مقام ضابط بیان و در ادامه به مسئله مرجع صلاحیت دار برای رسیدگی جرائم در مقام ضابط پرداخته می شود.

۲-۱. جلوه های ارتکاب جرم در مقام ضابط دادگستری

مأمور یا اشخاص هنگامی که حائز شرایط اقدام به عنوان «ضابط دادگستری» گردیده و شرایط مقرر در ماده ۳۰ قانون و آیین نامه اجرایی سال ۱۳۹۸ را دارا شدند، می توانند به عنوان ضابط دادگستری به انجام وظیفه بپردازند. این ضابطین دادگستری (اعم از عام و خاص) در حین انجام وظیفه به عنوان ضابط ممکن است خود مرتکب جرم یا جرائمی شوند. ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری بعد از اینکه تصریح می دارد که به جرائم ضابطین دادگستری در سازمان قضایی نیروهای مسلح رسیدگی نمی شود، در تبصره ۴ جرم در مقام ضابط دادگستری را جرمی می داند که «ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود و یا در راستای اجرای دستور مقام قضائی دادگستری مرتکب می شوند»؛ بنابراین از ظاهر ماده پیداست که ضابطین دادگستری در دو وضعیت امکان ارتکاب جرم «در مقام ضابط» را دارند؛ اول، حین انجام وظیفه در ارتباط با جرائم مشهود. دوم، در راستای اجرای دستور مقام قضایی.

قبل از بحث راجع به موارد فوق گفتنی است که ضابطین به اعتبار اینکه جرم در زمره جرائم مشهود (ماده ۴۵) یا غیرمشهود باشد از دایره و میزان اختیارات گسترده یا محدودی برخوردار هستند (کاظمی، ۱۴۰۵: ۲). اگر جرم، مشهود بوده ایشان بنابر تصریح ماده ۴۴ از اختیارات گسترده ای در راستای انجام تمام اقدامات لازم به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی، به عمل می آورند و همه تحقیقات لازم را انجام می دهند و متعاقباً به اطلاع دادستان می رسانند؛ یعنی اطلاع دهی به دادستان پس از انجام

^۲ - به عنوان نمونه ن.ک به؛ دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۸۳۱۳۰۰۰۱۱۳ مورخ ۹۷ / ۴ / ۱۳ شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه. دادنامه شماره ۹۸۰۹۹۷۲۲۱۴۵۰۰۰۶۴ مورخ ۲۸/۱/۱۳۹۸ شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو بخش رودهن. دادنامه شماره ۱۴۰۴۱۲۳۹۰۰۰۶۵۰۶۷۲۰ صادره از شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو دادگستری کبودرآهنگ.

اقدامات بوده و قبل از آن بر اساس ظن معقول خود اقدام می‌نمایند (کاظمی و دیگران، ۱۴۰۲: ۳۷۲)؛ اما چنین اختیارات گسترده‌ای در جرائم غیرمشهود (موارد غیر ماده ۴۵) برای ضابطین وجود ندارد. بر اساس صدر ماده ۴۴، در جرائم غیرمشهود ضابطین پس از اطلاع از وقوع جرم و قبل از هرگونه اقدامی، «مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورهای لازم به دادستان اعلام می‌کنند...» و منتظر دستورات دادستان باقی می‌مانند.

حال به موجب تبصره ۴ ماده ۵۹۷ ارتکاب جرم در مقام ضابط هم در جرائم مشهود و هم غیرمشهود متصور است؛ یعنی ضابط حین انجام وظیفه در یک جرم مشهود، خود مرتکب جرمی گردد مثلاً مرتکب ضرب و جرح شخص یا اشخاصی شده، مالی را به سرقت ببرد، اوراقی را امحاء سازد یا اسباب فرار مظنون را فراهم سازد. همچنین است در جرم غیرمشهود که بنابر دستور مقام قضایی در حال انجام یک اقدام تحقیقی است مرتکب یکی از جرائم فوق گردد؛ اما آنچه مهم است و از تبصره ۴ ماده ۵۹۷ نیز قابل استنباط است اگر ضابط در غیر از دو حالت فوق، ولو به عنوان ضابط اقدام نموده و مرتکب جرمی نیز شود، جرم وی در مقام ضابط تلقی نمی‌گردد.^۳ مثلاً در جرم غیرمشهودی ضابط بدون اینکه بنابر تصریح ابتدای ماده ۴۴ به اطلاع دادستان رسانیده و منتظر دستورات وی باشد، راساً مبادرت به مداخله نموده و اتفاقاً مرتکب جرمی نیز شود. مثلاً از وقوع یک قتل یا سرقتی در یک مکان بسته و خصوصی اطلاع یافته و علی‌رغم اینکه جزو مصادیق جرم مشهود نیست بدون کسب اجازه از مقام قضایی، به این مکان وارد شده و مبادرت به حفظ صحنه جرم، دستگیری مرتکب، جمع‌آوری آثار و ادله و... نماید. ضابط حین این اقدامات وسوسه شده و یکی از وسایل منزل را نیز سرقت نماید یا اینکه مرتکب جرم منافی عفت و... شود. چنین جرائمی در مقام ضابط تلقی نخواهد شد. یا اینکه ضابط اقدام به توقیف یک خودروی عبوری کرده و تمامی قسمت‌های غیرقابل رؤیت خودرو مانند کاپوت یا صندوق عقب را بازرسی نموده و در میانه این اقدامات مرتکب جرمی نیز بشود. با توجه به اینکه ایشان در کشف جرم غیرمشهود بدون کسب اجازه قبلی (شفاهی یا کتبی) مداخله کرده بنابر تبصره ۴ ماده ۵۹۷ نمی‌توان جرم ارتكابی وی را در مقام ضابط تلقی کرد.

تا قبل از تصویب و لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری فعلی، حتی سازمان قضایی نیروهای مسلح طی بخشنامه شماره ۷/۰۸۶/۷۳ مورخه ۱۳۷۳/۱۲/۲۸ جرم در مقام ضابط را از مصادیق جرائم خاص نظامی و انتظامی تلقی و رسیدگی به آن را در صلاحیت سازمان قضایی دانسته بود که متعاقباً طی رأی شماره ۱۶۹ مورخه ۱۳۷۹/۵/۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری، این بخشنامه ابطال گردید؛ بنابراین در حال حاضر برای در مقام ضابط بودن جرم

^۳ - در تائید این نظر ن ک به؛ رأی شماره ۱۳۵۷۸۰۱۳۳۹۰۶۳۹۰۰۰ مورخه ۱۳۹۹/۰۷/۰۶ شعبه یازدهم دیوان عالی کشور که جرم ضرب و جرح متهم توسط مأمور در پارکینگ کلانتری را چون جزو دو مصادیق فوق (اقدام در جرم مشهود یا در راستای دستور مقام قضایی) ندانسته است، آن را در مقام ضابط تلقی نکرده و صلاحیت رسیدگی را به سازمان قضایی واگذار کرده است.

ارتكابی، برخلاف گذشته كه اختلاف نظر فراوانی در رویه^۴ و میان دكترین وجود داشت (ن ك به كاظمی، ۱۴۰۰: ۴۰۸) با توجه به صراحت تبصره، لازم است یکی از موارد دوگانه فوق تحقق یابد. نظریه مشورتی شماره ۲۷۶۹/۹۷/۷ مورخ ۱۲/۰۶/۱۳۹۸ نیز ضمن تأکید بر این امر، دیگر جرائمی را كه ضابط خارج از موارد پیش گفته مرتكب می گردد از وضعیت «جرم در مقام ضابط» خارج دانسته و آن را تابع عمومات دانسته است.

۲-۲. مرجع صالح برای رسیدگی به جرم در مقام ضابط

اگر ارتكاب جرم مأمور یا شخص مداخله كننده در مقام ضابط بوده باشد قانون گذار طی چند مقرر، به نحو مكرر، مرجع صالح را مشخص کرده است. ابتدا در اصل ۱۷۲ قانون اساسی تصریح شده است؛ «برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی محاكم نظامی مطابق قانون تشكيل می گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی كه در مقام ضابط دادگستری مرتكب شوند در محاكم عمومی رسیدگی می شود...». همین حكم با اندكی تغییر طی ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری تكرر گردید؛ «به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضاء نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضائی رسیدگی می شود». در توضیح عبارت «جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی» مقرر در اصل ۱۷۲، شورای نگهبان طی نظر تفسیری شماره ۱۷۹۰ مورخه ۱۳۶۳/۷/۲ با ارائه تفسیری موسع كه موجب توسعه گسترده صلاحیت محاكم نظامی گردید بیان داشته است؛ «...منظور تخلفاتی است كه مأمور نظامی یا انتظامی در ارتباط با وظائف خاص خود مرتكب می شود و وظائف خاص و حدود آن را قانون عادی معین می نماید» (معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۵: ۱۳۶)

^۴ - طی رأی شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۸۶۰۰۴۱۲ مورخه ۱۰/۱۰/۱۳۹۱ شعبه ۳۰ دیوان عالی کشور، رسیدگی به جرم ضرب و جرح سرنشینان یک خودروی تویوتا توسط مأمور انتظامی حین گشت زنی در صلاحیت دادرسی نظامی دانسته شده علی رغم اینکه جرم در مقام ضابط نیز ارتكاب یافته است.

۱. گفتنی است طی سال‌های بعدی پس از تصویب قانون اساسی، با اجازه امام خمینی (سال ۱۳۶۶)، مقام معظم رهبری طی دو مرتبه (سال ۱۳۷۳ و ۱۳۹۹) (خورشیدی اظهر، ۱۴۰۳: ۲۵۵) و مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام (سال ۱۳۷۳)، موارد گسترده دیگری از جمله جرائم حین خدمت، جرائم امنیتی و... نظامیان به صلاحیت محاکم نظامی افزوده شد^۲ که دامنه صلاحیت ذاتی مراجع نظامی را به نحو بی‌سابقه‌ای (در مقایسه با دیگر کشورها) توسعه داده است.

با توجه به توضیحات فوق، اگر جرم در مقام ضابط دادگستری توسط فرد نظامی ارتکاب یابد، هرچند در ارتباط با وظایف وی باشد یا اینکه حین خدمت بوده، به جای محاکم نظامی در صلاحیت محاکم عمومی خواهد بود؛ بنابراین اگر مأمور نیروی انتظامی مرتبط با وظیفه یا در حین خدمت، در یک محل ایست و بازرسی ورودی یک شهر مشغول انجام وظیفه بوده و جرم مشهودی را مشاهده نماید، وی مطابق ماده ۴۴ موظف به مداخله در راستای دستگیری مرتکب، حفظ صحنه جرم و جمع‌آوری آلات و ادوات جرم است. حال اگر در حین انجام این وظایف، جرمی از ناحیه وی تحقق یابد، به عنوان نمونه از مرتکب رشوه اخذ نموده یا وی را مورد ضرب و جرح یا توهین قرار داده، مال یا وسایلی را به سرقت برده یا تخریب نماید، اگرچه جرم وی در ارتباط با وظایف بوده اما به خاطر اینکه در مقام ضابط دادگستری مرتکب آن گردیده به جای دادسرا و دادگاه نظامی، به اتهامات وی در مراجع کیفری عمومی رسیدگی خواهد شد.

گفتنی است پس از اینکه مشخص شد مراجع نظامی به اعتبار در مقام ضابط بودن امکان رسیدگی به جرم متهم نظامی را ندارند در مورد اینکه چه مرجع غیرنظامی صلاحیت رسیدگی از نظر ذاتی را دارد می‌بایست قائل به تفکیک شد. به دیگر سخن، بسته به اینکه جرم ارتكابی، از نظر نوع یا درجه کیفر چگونه بوده یا اینکه جزو جرائم مقرر در ماده ۳۰۳ باشد یا خیر، در صلاحیت دادگاه کیفری یک، کیفری دو یا حتی دادگاه انقلاب خواهد بود.

۳. رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸: از تفسیر نادرست قانون تا بی‌توجهی به مبانی صلاحیت ذاتی

بنابر توضیحاتی که در رابطه با شرایط ضابط و ارتکاب جرم در مقام ضابط طی دو بخش قبل بیان شد، اما طی چند سال اخیر، اختلاف نظر صلاحیتی در میان محاکم درباره مرجع قضایی صالح برای رسیدگی به جرائم در مقام ضابط مکرراً وجود داشته است. البته در شرایط فعلی برخلاف گذشته، در رویه قضایی هیچ اختلاف نظری درباره اصل صلاحیت محاکم عمومی نسبت به جرائم در مقام ضابط مأمورین وجود ندارد. اختلاف در جایی است که شخص

۱ - بنابراین تفسیر مضیق و محدود از این عبارت که بیان می‌داشت «جرائمی که فقط نیروهای مسلح می‌توانند مرتکب شوند مانند فرار از خدمت یا تسلیم به دشمن و...» (کاظمی ۱۴۰۰: ۴۰۶) با این نظریه تفسیری شورای نگهبان کنار گذاشته شد. تفسیر موسعه ارائه شده توسط شورای نگهبان طی تبصره ۲ ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری فعلی مورد تصریح قرار گرفته است.

۲ - این موارد استجازه، به نحو صریح طی تبصره ۱ ماده ۵۹۷ در قانون آیین دادرسی کیفری نیز وارد شده است.

مداخله کننده شرایط ضابط بودن از جمله مهم ترین شرط آن یعنی کارت ویژه ضابط بودن را دارا نبوده؛ اما به عنوان ضابط مداخله کرده، اقداماتی از قبیل کشف جرم، حفظ صحنه جرم یا دستگیری مرتکب را انجام و در حین این عملیات، خود مرتکب جرمی نیز شده است.

این اختلافات منجر به صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ هیئت عمومی دیوان عالی کشور شده است؛ در موضوع این رأی وحدت رویه، شعبه دوم دیوان عالی کشور در سال ۱۳۹۸ پس از اختلاف صلاحیتی که میان شعبه دادرسی دادسرای نظامی استان کرمانشاه و شعبه دادستانی دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان کرمانشاه در ارتباط با اتهام توهین و ضرب و جرح یک مأمور نیروی انتظامی فاقد شرایط ماده ۳۰، از جمله نداشتن کارت ویژه ضابطین، اقدام وی را در مقام ضابط تلقی و قائل به صلاحیت دادرسی عمومی و انقلاب کرمانشاه شده بود. در پرونده دیگری شعبه ششم دیوان عالی کشور در سال ۱۴۰۲ متعاقب اختلاف نظری که میان دادسرای عمومی و انقلاب و دادسرای نظامی در ارتباط با مرجع صالح برای رسیدگی به جرم ضرب و جرح توسط مأموری که بدون داشتن کارت ویژه مبادرت به مداخله در مقام ضابط کرده بود، به دلیل ضابط ندانستن مرتکب، رأی به صلاحیت دادسرای نظامی کرمانشاه داده بود.

در نهایت با توجه به اختلاف رویه قطعی حادث شده در این باره، هیئت عمومی دیوان عالی کشور در مورخه ۱۴۰۳/۰۴/۰۹ تشکیل جلسه داده و در نهایت به این شرح مبادرت به صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ نموده است؛ «قانون گذار به موجب ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، برای احراز عنوان ضابط دادگستری «وثاقت و مورد اعتماد بودن، فراگیری مهارت های لازم با گذراندن دوره های آموزشی زیر نظر مرجع قضایی و تحصیل کارت ویژه ضابطان» را مقرر کرده است، اما با توجه به قسمت اخیر ماده قانونی یادشده که بیان می دارد: «اقدامات و تحقیقات اشخاص فاقد کارت دارای اعتبار نمی باشد»، چنین مستفاد می گردد که داشتن کارت صرفاً برای اعتبار بخشی به گزارش ضابطان بوده است و تخلف از این مقررات، وفق ماده ۶۳ همین قانون موجب خارج شدن آنان از مقام ضابط نمی شود. لذا چنانچه اشخاص مذکور در مقام ضابط دادگستری در ارتباط با جرائم مشهود یا در راستای اجرای دستور مقام قضایی مرتکب جرمی شوند، رسیدگی به جرم ارتكابی برابر ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری و صلاحیت عام محاکم دادگستری، حسب مورد با دادگاه کیفری یا دادگاه بخش است...».

با مطالعه این رأی وحدت رویه و همچنین گزارش جلسه منتهی به صدور رأی فوق، مشخص است هیئت عمومی با طرح چند استدلال قابل خدشه قائل به صلاحیت محاکم عمومی برای رسیدگی به جرم اشخاص یا مأموران فاقد کارت ویژه ضابط بودن شده است. در واقع طی این رأی، چنین اشخاصی علی رغم نداشتن کارت ویژه، همچنان ضابط دادگستری تلقی و در صورت ارتكاب جرم در صلاحیت محاکم عمومی خواهند بود؛ اما مبانی و

استدلال‌هایی که هیئت عمومی برای صدور این رأی مطرح کرده قابل انتقاد بوده و طی چند بند به شرح زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۳-۱. صلاحیت ذاتی محاکم نظامی در رسیدگی به جرائم مرتبط با وظیفه اشخاص نظامی؛ صلاحیت عام یا خاص؟

صلاحیت محاکم نظامی برای رسیدگی به جرائم افراد نظامی یک صلاحیت اختصاصی و ذاتی بوده که رسیدگی به برخی جرائم ارتكابی توسط ایشان را از صلاحیت محاکم عمومی با صلاحیت عام خارج می‌سازد؛ اما با بررسی روند تقنینی و قضایی طی سال‌های پس از تصویب قانون اساسی تا زمان حاضر مشخص می‌گردد که صلاحیت محاکم نظامی منحصر در جرائم مصرح در اصل ۱۷۲ قانون اساسی (جرائم مرتبط با وظیفه خاص نظامی و انتظامی) نمانده است. به دیگر سخن، با توضیحاتی که در بند ۲-۲ پژوهش حاضر بیان شد مشخص گردید که صلاحیت اولیه و اصلی سازمان قضایی نیروهای مسلح مطابق اصل ۱۷۲ قانون اساسی و ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری، جرائم ارتكابی «در ارتباط با وظایف خاص نظامی و انتظامی» است. این واگذاری صلاحیتی پس از تفسیر موسعی که از آن توسط شورای نگهبان ارائه گردیده و در تبصره ۲ ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری نیز تکرار گردید؛ قلمروی گسترده‌ای از جرائم را در بر می‌گیرد که در صلاحیت ذاتی محاکم نظامی قرار گرفته‌اند. حتی طی این سال‌ها به همین مقدار واگذاری صلاحیت اکتفا نشده و نه تنها جرائم مرتبط با وظیفه، بلکه کلیه جرائم حین خدمت، جرائم امنیتی، پرونده‌های دربردارنده اطلاعات طبقه بندی شده، حتی بعضی جرائم پس از پایان یا ترک خدمت و موارد متعدد دیگری به دامنه صلاحیت مراجع نظامی افزوده شده (اجازه نامه سال ۱۳۹۹ رهبری) و تبصره ۱ ماده ۵۹۷ نیز به تمامی آن‌ها وصف تقنینی بخشیده است. این افزایش موارد صلاحیتی قابل نقد بوده و حتی می‌توان از آن تحت عنوان «توسعه بی‌ضابطه» یاد کرده (کاظمی، ۱۴۰۰: ۴۰۸) با مبانی مختلفی مانند اصل تمرکزگرایی (فتحی، ۱۳۹۶: ۱۸۹)، اصل ضرورت (طهماسبی، ۱۳۹۶: ۵۱)، اصل سرعت در رسیدگی به جرائم نظامیان، اصل شدت در واکنش به جرائم ارتكابی نظامیان و ضرورت حفظ اسرار و اطلاعات (خورشیدی اطهر، ۱۴۰۲: ۱۹) توجیه شده است.

به هر حال با مطالعه و بررسی قلمروی فعلی جرائم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، برخلاف گذشته که تأکید می‌شد صرف وصف نظامی داشتن مرتکب، موجب تغییر صلاحیت مرجع رسیدگی به اتهام وی نخواهد شد (آشوری، ۱۴۰۴: ۱۴۲) می‌بایست اذعان داشت که در حال حاضر به صرف احراز «نظامی» بودن مرتکب، تقریباً همه جرائم ارتكابی وی (حتی جرائم عمومی) در صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های نظامی قرار می‌گیرد؛ اگر مرتبط با وظیفه وی نبوده، کافی است وی حین خدمت آن را مرتکب شده باشد، اگر حین خدمت هم نبوده همین قدر که در زمره جرائم علیه امنیت بوده کفایت می‌کند، اگر حتی جرم علیه امنیت نبوده، اگر در ارتباط با سلاح یا مهمات باشد

همچنان در صلاحیت سازمان قضایی است؛ بنابراین تعداد کمی از جرائم باقی می‌ماند که یک نظامی آن‌ها را مرتکب شده باشد اما جرم وی در صلاحیت مراجع عمومی باشد. به عنوان مثال این فرد نظامی می‌بایست در خارج از محل کار، خارج از ساعات اداری، جرمی غیرمرتبط با وظیفه را مرتکب شده و این جرم نیز ارتباطی با موضوعات امنیتی نداشته و همچنین در ارتکاب آن از سلاح یا مهمات هیچ استفاده‌ای نشده باشد تا بتوان مرجع عمومی را صالح شناخت. حتی این جرم عمومی نباید حین رسیدگی به یک جرم نظامی توسط مرجع نظامی کشف شده باشد وگرنه همان مرجع نظامی به این جرم عمومی هم رسیدگی خواهد کرد (قانون تعیین صلاحیت دادسراها و دادگاه‌های نظامی).

با این توضیحات به‌ویژه توسعه صلاحیت مراجع نظامی به جرائم حین خدمت نظامیان مشخص است که تمام جرائمی که یک فرد نظامی حتی اگر مرتبط با وظیفه نبوده اما «حین خدمت» توسط وی ارتکاب یافته در صلاحیت مراجع نظامی قرار دارد. حال پرسش اینجاست، جرائمی که مأموران انتظامی یا نظامی در کشف یا تحقیق جرائم مرتکب می‌شوند آیا مرتبط با وظیفه یا حین خدمت محسوب نمی‌شوند؟ با اطمینان می‌توان گفت طیف وسیعی از این جرائم را می‌توان «در ارتباط با وظیفه» تلقی کرد و آن دسته از جرائم ارتكابی ایشان در مقام ضابط حتی اگر اثبات شود در ارتباط با وظیفه نبوده‌اند، مطمئناً می‌توان آن‌ها را «حین خدمت» تلقی و اگر ما حکم استثنایی خروج جرائم ارتكابی در مقام ضابط از صلاحیت مراجع نظامی مقرر در اصل ۱۷۲ و ماده ۵۹۷ را نداشتیم، مراجع نظامی از نظر ذاتی دارای صلاحیت برای رسیدگی به این جرائم بودند. لذا واضح است که صلاحیت مراجع نظامی برای رسیدگی به جرائم مرتبط با وظیفه یا جرائم حین خدمت اشخاص نظامی و انتظامی یک صلاحیت «عام» بوده و واگذاری رسیدگی به جرائم ارتكابی در مقام ضابط افراد نظامی به مراجع عمومی یک حکم «خاص» و «استثنایی» تلقی می‌شود و می‌بایست از توسعه و تعمیم مصادیق آن خودداری کرد؛ با این توضیحات، تعیین مرجع صالح را نمی‌توان صرفاً بر اساس «ضابط» یا «غیرضابط» بودن مرتکب انجام داد؛ بلکه ابتدا باید شرایط قانونی صلاحیت مراجع نظامی بررسی شود. چنانچه جرم ارتكابی مشمول صلاحیت قانونی مراجع نظامی باشد، رسیدگی در سازمان قضایی نیروهای مسلح و در غیر این صورت در مراجع عمومی انجام خواهد شد. بنابراین، در فرض ارتكاب جرم توسط مأمور نظامی فاقد کارت ویژه ضابطیت، صرف فقدان کارت نمی‌تواند به‌تنهایی مبنای صلاحیت مرجع عمومی قرار گیرد؛ بلکه باید وضعیت جرم از حیث شرایط قانونی صلاحیت مراجع نظامی احراز شود. از این رو، استناد به «ضابط بودن» مرتکب برای تعیین صلاحیت مرجع عمومی، بدون بررسی این شرایط، نمی‌تواند توجیه‌کننده نتیجه رأی وحدت رویه باشد.

بنابراین مشخص است استدلال هیئت عمومی دیوان در رأی شماره ۸۴۸ برای صاحب صلاحیت شناختن محاکم عمومی نادرست ارزیابی می‌گردد؛ زیرا هیئت عمومی دیوان در رأی صادره صلاحیت محاکم دادگستری را دارای

«صلاحیت عام» شناخته است. این موضوع اگرچه درباره جرائم اشخاص غیرنظامی صدق می‌کند (خالقی، ۱۴۰۴: ۵۲) اما درباره جرائم مرتبط با وظیفه یا حین خدمت نظامیان به‌هیچ‌وجه صحیح نیست؛ به این معنی که اتفاقاً مراجع نظامی برای این جرائم نظامیان «صلاحیت عام» دارند و محاکم دادگستری صلاحیت خاص و استثنایی. فرض شود یک فرد نظامی (مثلاً مأمور نیروی انتظامی) حین گشت زنی شبانه (حین خدمت) متوجه جرم غیرمشهودی شده و بدون کسب دستور از مقام قضایی مداخله کرده و اتفاقاً حین مداخله، مرتکب جرمی نیز گردد. با استدلال هیئت عمومی، این جرم با توجه به صلاحیت عام محاکم دادگستری، قاعدتاً می‌بایست در دادسرا و دادگاه عمومی رسیدگی شود اما بر اساس قانون آیین دادرسی کیفری (ماده ۵۹۷ و تبصره‌ها) با توجه به اینکه اولاً، مرتکب «نظامی» است. ثانیاً، جرم حتی اگر اثبات شود مرتبط با وظیفه نبوده (اگرچه هست) اما چون مطمئناً «حین خدمت» تلقی می‌شود لذا در صلاحیت مراجع نظامی خواهد بود.

در هر دو پرونده‌ای که اختلاف در آن‌ها موجب طرح موضوع در هیئت عمومی دیوان و صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ شده نیز همین مسئله اتفاق افتاده است. در پرونده نخست، متهم (ستوان یکم محسن) اگرچه مأمور نیروی انتظامی بوده، اما کارت ویژه ضابطی نداشته و هنگامی که در حال خدمت بوده، در یک جرم مشهود مداخله کرده و مرتکب جرم توهین و ضرب و جرح گردیده است. در پرونده دوم، متهم (سروان حمیدرضا) نیز مأمور نیروی انتظامی بوده و بدون کارت ویژه در یک جرم غیرمشهود مداخله کرده و حین آن مرتکب ضرب و جرح عمدی شده است. در هر دو پرونده، شرایط قانونی صلاحیت سازمان قضایی وجود دارد؛ هر دو متهم نظامی محسوب می‌شوند (بند «ه» ماده ۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح) و هر دو، حتی اگر فرضاً جرم ارتكابی مرتبط با وظیفه آنان نباشد، بدون تردید آن را حین خدمت مرتکب شده‌اند. بنابراین، در تعیین مرجع صالح، ابتدا باید شرایط قانونی صلاحیت مراجع نظامی بررسی شود. چنانچه احراز شود که جرم در مقام ضابط دادگستری ارتكاب یافته است، رسیدگی در صلاحیت محاکم عمومی خواهد بود؛ در غیر این صورت، با توجه به شرایط مقرر قانونی، مراجع نظامی صلاحیت رسیدگی خواهند داشت. از این رو، انتقاد از رأی صادره باید متوجه مبنای استدلال هیئت عمومی در تعیین مرجع صالح باشد، نه صرفاً نتیجه آن.

۲-۳. صلاحیت محاکم عمومی به اعتبار ضابط بودن یا مرتبط با وظیفه نبودن جرم ارتكابی؟

به رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ که قائل به شایستگی محاکم عمومی برای رسیدگی به جرم مأموری که بدون داشتن کارت اقدام به مداخله در مقام ضابط نموده انتقاد دیگری وارد است. این انتقاد نه به خاطر این که محاکم عمومی را صاحب صلاحیت شناخته بلکه به خاطر استدلالی است که هیئت عمومی را به این نتیجه نهایی رسانیده است. اگر مأموری که در دسته افراد نظامی مقرر در بندهای ماده ۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب

۱۳۸۲ جای دارد، مرتکب یک جرم مرتبط با وظایف خاص نظامی یا انتظامی شده یا یکی از جرائم در صلاحیت محاکم نظامی را مرتکب گردد (مثلاً ارتکاب جرم حین خدمت یا علیه امنیت)، مطابق قانون، رسیدگی به جرم وی در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح خواهد بود. در غیر این حالت، یعنی اگر یک یا هر دو شرط فوق وجود نداشته باشد، جرم ارتكابی در صلاحیت محاکم عمومی بوده و از موارد صلاحیت ذاتی مراجع نظامی خارج خواهد بود؛ بنابراین یک شخص نظامی (مثلاً مأمور نیروی انتظامی) ممکن است مرتکب جرم گردیده اما به دلیل اینکه در ارتباط با وظایف وی نبوده یا اینکه در محل خدمت وی ارتکاب نیافته، در صلاحیت سازمان قضایی نبوده و مراجع عمومی به آن رسیدگی خواهند کرد.

لذا نتیجه‌ای که هیئت عمومی در رأی وحدت رویه به آن رسیده و رسیدگی به جرم مأموری که در حالت غیر مرتبط با وظیفه یا خارج از خدمت مرتکب جرم گردیده را در صلاحیت محاکم عمومی دانسته است بنابر توضیحات فوق ممکن است (با حصول شرایط) صحیح ارزیابی می‌گردد^۱ اما این صلاحیت مرجع عمومی با این مبنا و توجیه است که پرونده حائز دو شرط مقرر برای صلاحیت سازمان قضایی نبوده و لذا می‌بایست در مراجع عمومی رسیدگی گردد. اما این واگذاری صلاحیت به محاکم عمومی به خاطر در مقام ضابط بودن مرتکب نیست بلکه به خاطر فقدان شرایط مقرر برای صلاحیت محاکم نظامی (به‌عنوان مرجع خاص) است. توضیحاتی که نماینده دادستان کل کشور در جلسه بررسی و صدور رأی وحدت رویه ابراز داشته است نیز به‌نوعی این نظر را تأیید می‌نماید؛ «... در ما نحن فیه ما با مأموری مواجه هستیم که؛ الف) مسلم است که مرتکب جرمی شده است که قطعاً مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی ایشان نیست، یعنی مرتکب جرم به‌اصطلاح عمومی شده است. ب) این مأمور کارت ضابطیت نداشته است. ج) بنا به دستور مقام قضایی یا مافوق خود، عهده‌دار انجام مأموریت‌های موضوع ماده ۲۸ نیز نشده است. لذا مثل چنین شخصی (که کارت ضابط ندارد و جرم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی مرتکب نشده) مثل یک شهروند عادی است که مرتکب جرم عمومی شده است. در نتیجه مرجع ذیصلاح به رسیدگی، دادسرای عمومی است. به‌زعیم این جانب، سهو دادیار محترم دادسرای عمومی آنجا بوده که تصور کرده، مأمور انتظامی فقط در دو حالت می‌تواند یا می‌توانسته مرتکب جرم گردد: یکی جرم مربوط به وظایف خاص انتظامی و دیگری در مقام ضابط بودن. این در حالی است همان‌طور که بیان شد، مأمورین به‌عنوان یک شهروند عادی (که ضابط نباشد و امکان ارتکاب جرم خاص نظامی و انتظامی هم نداشته باشد) نیز می‌توانند مرتکب جرمی شوند که فاقد شرایط فوق باشند.

^۱ - در فرضی که موضوع مشمول هیچ‌کدام از موارد صلاحیت سازمان قضایی نباشد.

البته هرچند نمایند دادستان کل کشور در این جلسه موارد دیگری را نیز مطرح کرده که قابل انتقاد به نظر می‌رسد اما این قسمت از نظریه ایشان می‌تواند اساس اشتباهی که در جلسه صدور رأی وحدت رویه رخ داده را کاملاً شرح نماید. در واقع محاکم عمومی در رابطه با جرم ارتكابی مأمور صلاحیت دارند که این صلاحیت ایشان عام است و چون جرم ارتكابی جزو موارد مصرح در صلاحیت محاکم نظامی نیست، لذا می‌بایست رأی به صلاحیت محاکم عمومی داد؛ اما این مسئله نباید باعث تشکیک در این موضوع شود که وقتی شخص یا مأموری شرایط مقرر در ماده ۳۰ قانون برای احراز عنوان ضابط دادگستری را ندارد و حتی شاید هیچ آموزشی را نیز در زمینه ضابط بودن دریافت نکرده است عنوان «ضابط» داده و جرم ارتكابی وی را در صلاحیت محاکم عمومی بدانیم؛ بنابراین همان‌گونه که بیان شد افراد نظامی نیز ممکن است جرم یا جرائمی را مرتکب شوند که شامل هیچ‌کدام از موارد صلاحیت سازمان قضایی نباشد که در این صورت محاکم عمومی صلاحیت خواهند داشت. همین دو مأموری که پرونده‌های آنها موجب صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ شده است نیز ممکن است اقدامات ایشان به‌گونه‌ای باشد که شامل هیچ‌کدام از شقوق صلاحیتی سازمان قضایی نباشد و لذا پرونده ایشان در صلاحیت مراجع عمومی باشد؛ اما صلاحیت محاکم عمومی برای رسیدگی به پرونده این دو مأمور به خاطر در مقام ضابط بودن آنها نخواهد بود.

۳-۳. داشتن کارت ویژه؛ شرط ضابط بودن یا شرط اعتباربخشی به گزارش؟

در میان تمام شرایطی که برای کسب عنوان ضابطیت مأمور و همچنین «اعتبار» داشتن گزارش وی از سوی قانون‌گذار ضروری دانسته شده است یک مورد از همه مهم‌تر است؛ دارا بودن «کارت ویژه». آنچه داشتن این کارت را پراهمیت‌تر می‌سازد این است که تحصیل این کارت مقدماتی داشته و منوط به گذراندن دوره‌های آموزشی اقدام به ضابط دادگستری است. چنین دوره‌هایی ضابطین را با نحوه برخورد کرامت‌مدارانه، رعایت حریم خصوصی افراد، مداخله در چارچوب قانون‌مدارانه و مهارت‌های مداخله حرفه‌ای آشنا می‌سازد (نیازپور، ۱۴۰۱: ۱۶۷). لزوم برگزاری دوره‌های آموزشی و محتوای آنها در ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه سال ۱۳۹۸ تصریح شده است. برگزاری چنین دوره‌های آموزشی، شرکت شخص در آنها و در نهایت موفقیت در آزمون نهایی، منتهی به صدور کارت ویژه ضابطیت و قرارگیری شخص یا مأمور در زمره ضابطان دادگستری است. بنابر تصریح ماده ۳۰، «احراز عنوان ضابط دادگستری، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن منوط به فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی زیر نظر مرجع قضائی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری است». بنابر تصریح ماده و همچنین با در نظر گرفتن مفهوم مخالفی که از آن قابل استنباط است اگر شخصی کارت ویژه ضابط بودن را تحصیل نکرده باشد عنوان ضابط دادگستری در وی احراز نمی‌شود. این برخلاف برداشتی است که هیئت عمومی دیوان از این ماده داشته و نداشتن کارت ویژه و تبعاً نگذراندن دوره‌های آموزشی را از شرایط «اعتباربخشی

به گزارش ضابطان» تلقی کرده است. در تقویت نظر مقابل دیدگاه هیئت عمومی می‌توان به ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی نحوه برگزاری دوره‌های آموزشی حین خدمت ضابطان نظامی مصوب ۱۳۹۷ رئیس قوه قضاییه اشاره داشت که تصریح می‌دارد؛ «مأموران فاقد کارت، جز در موارد تبصره ماده «۲» این آیین‌نامه، ضابط نظامی محسوب نمی‌شوند. انجام تحقیقات یا هر نوع اقدامی از سوی اشخاص فاقد کارت به‌عنوان ضابط ممنوع و بدون اعتبار است».

در ماده ۳ آیین‌نامه فوق‌نہ تنها تحقیقات و اقدام اشخاص فاقد کارت را ممنوع و بدون اعتبار دانسته بلکه همچنین این افراد را «ضابط نظامی» قلمداد نکرده است. به‌علاوه ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۸ رئیس قوه قضاییه نیز تصریح داشته است اشخاصی که در برنامه آموزشی ضابطان شرکت کنند ولی نتوانند در آزمون نهایی نمره قبولی کسب کنند از «ضابط بودن ایشان» صرف‌نظر می‌گردد. به دیگر سخن برداشت منطقی از این ماده نیز این است که شخص اگر در آزمون نهایی (مرتبه اول و دوم) موفق نباشد کارت ویژه دریافت نکرده و لذا وی ضابط تلقی نمی‌گردد؛ بنابراین استنباط هیئت عمومی از شرط لزوم تحصیل کارت ویژه صحیح نبوده و چنین شخصی اساساً ضابط محسوب نمی‌شود نه اینکه صرفاً گزارش وی از اعتبار برخوردار نباشد.

همچنین در میان دکترین نیز عموم نویسندگان دادرسی کیفری تحصیل کارت ویژه را از شرایط شخص ضابط تلقی کرده و در صورت نداشتن این کارت، مأمور را ضابط تلقی نکرده‌اند (ن ک به خالقی، ۱۴۰۴: ۷۵-۷۶ و کاظمی، ۱۴۰۰: ۹۴ و رجبی و دیگران، ۱۴۰۲: ۲۳۹) در دادرسی کیفری فرانسه نیز افسران و درجه‌داران، کارگاہان، کلانتران و افسران پلیس قضایی، پس از اعطای صلاحیت از سوی دادستان کل، «ضابط» تلقی می‌گردند (Bailey, 2015: 71). رویه تقریباً مشابهی برای برخی کشورهای دیگر مانند انگلستان وجود دارد (الیوت و ورتون، ۱۳۸۲: ۲۳۸). حتی برخی نویسندگان حقوق کیفری اذعان داشته‌اند با عنایت به اینکه در کشور ما برخلاف بسیاری از کشورها که پلیس را به دو دسته پلیس قضایی و اداری تقسیم کرده‌اند، چون چنین تقسیم‌بندی‌ای وجود ندارد، همین فراگیری آموزش و داشتن کارت ویژه می‌تواند ملاکی برای برقراری نوعی تقسیم‌بندی میان کارکنان نیروی انتظامی قرار گیرد (عظیمی و نظری نژاد، ۱۳۹۹: ۱۸۱)؛ یعنی اینکه آن بخش از نیروهای پلیس که در کلانتری‌ها و آگاهی و پاسگاه‌ها خدمت می‌کنند، آموزش‌های لازم را دیده و موفق به اخذ کارت ضابطیت شده‌اند، «پلیس قضایی» محسوب شده و سایر کارکنان، چون ضابط نیستند، مسئولیتی نیز از حیث ضابط بودن متوجه آن‌ها نمی‌باشد.

شرط ماده ۳۰ مبنی بر اخذ کارت ویژه برای احراز به‌عنوان ضابط دادگستری مختص به مأموران نیروی انتظامی نبوده و در خصوص دیگر ضابطین خاص مانند اعضای نیروی مقاومت بسیج نیز که بر اساس قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱ ضابط خاص معرفی شده‌اند نیز جاری است. همچنین است آمرین به معروف و ناهیان از

منکر که بر اساس قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ که برای اقدام «عملی»^۱ به عنوان ضابط خاص معرفی شده‌اند. با این اوصاف، پرسش مهمی که از هیئت عمومی دیوان مطرح می‌شود این است که اگر اعضای مقاومت بسیج یا آمرین به معروف و ناهیان از منکر بدون هرگونه دوره آموزشی و بدون تحصیل کارت ویژه در کشف و تعقیب جرمی مداخله کرده و اتفاقاً در این فرایند شخصاً مرتکب جرمی گردند آیا می‌بایست ایشان را «ضابط» دادگستری تلقی، جرم ارتكابی را «جرم در مقام ضابط» و پرونده ایشان را در محاکم عمومی تحت رسیدگی قرار داد؟ همچنین است مأمورین اداری نیروی انتظامی از قبیل قسمت گذرنامه، حسابداری و... که هیچ آموزشی برای ضابط بودن ندیده‌اند یا حتی سربازان وظیفه، آیا ایشان نیز بنابر تفسیر هیئت عمومی دیوان، «ضابط» هستند و فقط گزارش ایشان نامعتبر است؟ به نظر نمی‌رسد حتی هیئت عمومی هم این قدر قائل به تفاسیر موسع از رأی خود باشد. این در حالی است که برداشت دیوان در این رأی نتایجی تا این قدر موسع (و حتی فراتر از آن) را به دنبال خواهد داشت و با توجه به اینکه در امور شکلی تفسیر موسع نیز مورد پذیرش قرار گرفته است (آخوندی، ۱۳۹۵: ۸۲)، از این به بعد در رویه قضایی انتظار تفاسیر بسیار موسع از عنوان ضابط برای مأمورین و اشخاص اصلاً بعید نیست.

شاید این رأی وحدت رویه درباره مأموران نیروی انتظامی با توجه به آموزش‌هایی که می‌بینند و اینکه از گذشته و حتی بدون دارا بودن کارت ویژه ضابط محسوب می‌شده‌اند (روایی و رضایی فرد، ۱۳۹۴، ۲۶)، مشکل و چالش کمتری ایجاد نماید اما درباره اعضای مقاومت بسیج یا آمرین به معروف و ناهیان از منکر با چالش‌های فراوانی مواجه است؟ با تفسیر به عمل آمده توسط هیئت عمومی در رأی وحدت رویه ۸۴۸، در حال حاضر می‌بایست تمامی اعضای بسیج را «ضابط» دانسته و تنها اگر کارت ویژه ضابطیت را نداشته باشند گزارش ایشان بی‌اعتبار خواهد بود! مشخص است ضابط تلقی کردن ایشان با بی‌توجهی‌ای که عموماً در رویه قضایی در میان قضات دادسرا مشاهده می‌گردد که از ضابطان گزارش دهنده و مداخله کننده در جرم معمولاً کارتی درخواست نشده و مقام قضایی بدون اینکه خود را موظف بداند کارت ایشان را ملاحظه و احتمالاً تصویری از آن را در پرونده برای نظارت بعدی در مراجع عالی ضبط نماید، گزارش را دریافت و آن را مبنای پیگیری‌های کیفری بعدی قرار می‌دهد. آیا واقعاً مقصود مقنن در تصویب ماده ۲۹ و ۳۰ این بوده است که همه اشخاص اعم از مأموران نیروی انتظامی و حتی مأمورانی را که علی‌القاعده وظیفه آن‌ها چیز دیگری است شان ضابط بخشیده و فقط گزارش ایشان را بی‌اعتبار بداند یا منظور و نیت غائی مقنن براین بوده است که گزارش ایشان به این دلیل بی‌اعتبار است که اساساً ضابط تلقی نمی‌گردند؟

^۱ - به موجب ماده ۴ این قانون، «مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است».

از منظر حقوق شهروندی نیز مصلحت عمومی بر این است که چنین اشخاصی را اساساً ضابط تلقی نماییم تا اینکه صرفاً گزارش چنین اشخاصی را بی اعتبار بدانیم؛ زیرا از این منظر بهتر است که دامنه و قلمرو مأموران و اشخاصی که عنوان «ضابط دادگستری» را دارند کاملاً مشخص باشد تا این گونه برداشت نشود که کلیه مأموران نیروی انتظامی، نظامی و حتی افراد ذاتاً غیرنظامی مانند اعضای نیروی مقاومت بسیج ضابط دادگستری تلقی شده و از این طریق ایشان را دارای اختیارات گسترده برای ورود در حقوق و آزادی های شهروندی بدانیم. تعداد مأموران نیروی نظامی و انتظامی در کشور ما بسیار قابل توجه هستند، به ایشان می بایست تعداد چندین برابری اعضای بسیج را نیز اضافه کرد. حتی بر اساس ماده ۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح و استیفاء ای که سازمان قضایی نیروهای مسلح از مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۹ دریافت داشته، «کارکنان یگان حافظت دستگاههای اجرایی» و «کارکنان موقت و قراردادی سازمانها و شرکت های وابسته به نیروهای مسلح» نیز نظامی تلقی شده اند (ستاری، ۱۴۰۴: ۲۳۰). آیا نباید هیچ معیار یا ضابطه ای برای تمیز و تشخیص ضابط از غیرضابط در میان این جمعیت چند میلیون نفری افراد نظامی در نظر گرفت.

فرض قابل دفاع این است که اشخاص بدون کارت ویژه ضابط دادگستری آموزش کافی و حداقلی برای مداخله در این حقوق و آزادی های افراد جامعه را ندیده و تبعاً مداخله ایشان می تواند منجر به آثار و نتایج زیان بار و گاهی مصیبت باری نیز شود. آیا همسو با نظر هیئت عمومی دیوان در رأی وحدت رویه ۸۴۸ می بایست قائل بر این بود که ایشان «ضابط هستند» و در مقام ضابط عمل نموده اند و فقط کافی است گزارش های ایشان را نامعتبر بدانیم؟ در حالی که این امر به فرد اجازه می دهد بدون کمترین صلاحیت عملی و حرفه ای، خود را ضابط دانسته و به عنوان ضابط و به بهانه کشف یا اقدام تحقیقی در حریم خصوصی افراد مداخله کرده و حقوق اساسی ایشان را نقض نماید. بهترین راهکار برای شناسایی ضابطین دادگستری از غیر ایشان، «کارت ویژه» است. شخص حتی اگر نظامی یا انتظامی با درجات بالا هم باشد تا وقتی که کارت ویژه را دریافت نداشته و مقدمات اخذ این کارت مانند آموزش را نگذرانده باشد، ضابط دادگستری تلقی نمی شود و اجازه مداخله در کشف یا تحقیق جرائم حتی مشهود را ندارد.

نتیجه گیری

شخص یا مأموری که فاقد کارت ویژه ضابط بودن است و تبعاً آموزش های لازم را برای مداخله در مقام ضابط نیز نگذرانیده است، نمی تواند «ضابط» تلقی کرد. این دیدگاه گذشته از اینکه نزدیک ترین معنا و مفهومی است که از ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری قابل برداشت است از جانب برخی دیگر از مقررات فعلی مانند آیین نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری یا آیین نامه اجرایی نحوه برگزاری دوره های آموزشی حین خدمت هر دو مصوب ۱۳۹۸ رئیس قوه قضاییه نیز تقویت شده است. در واقع ضابط تفکیک مأموران ضابط و غیرضابط در شرایط فعلی را

تنها می‌توان همین دارا بودن یا نبودن این «کارت ویژه» دانست؛ بنابراین اگر شخص مداخله کننده فاقد کارت ویژه ضابط بودن باشد یک مأمور غیرضابط تلقی شده که در صورت ارتکاب جرم، رسیدگی به جرائم وی تابع عموماً دادرسی کیفری بوده و مرجع صلاحیت‌دار رسیدگی کننده به اتهام وی نیز مبتنی بر مقررات حاکم بر صلاحیت ذاتی است. اگر شخص «نظامی» بوده و جرم نیز در ارتباط با وظایف وی بوده یا جزو دیگر موارد صلاحیتی محاکم نظامی باشد در دادگاه نظامی و در غیر این صورت در محاکم عمومی (انقلاب یا کیفری یک یا دو) مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. بر این اساس رأی وحدت رویه شماره ۸۴۸ که طی آن، هیئت عمومی دیوان اشخاص فاقد کارت ویژه را همچنان «ضابط» تلقی کرده و جرائم ایشان را «در مقام ضابط» و در صلاحیت محاکم عمومی دانسته خلاف ماده ۳۰ قانون و دیگر مقررات پیش‌گفته ارزیابی می‌شود. ارائه این تفسیر از ضابطیت برای مأموران نه تنها مخالف قانون و مقررات موجود ارزیابی می‌گردد، می‌تواند دربردارنده تهدیدهای جدی برای حقوق و آزادی‌های شهروندی نیز ارزیابی گردد زیرا یکی از نتایج تفسیر الزام‌آور انجام‌شده هیئت عمومی در این رأی وحدت رویه، این خواهد بود که از این به بعد هر مأمور و یا حتی اشخاصی که کمترین آموزش‌های ضابط بودن را نیز فرا نگرفته‌اند (مثلاً اعضای مقاومت بسیج)، اگرچه آموزش ندیده و تبعاً کارتی نیز دریافت نداشته‌اند، «ضابط» تلقی خواهند شد؛ و صرفاً گزارش ایشان از اعتبار برخوردار نیست. این در حالی است که شرط ضابط دادگستری تلقی شدن مأمور در مقررات فعلی، وثاقت و مورد اعتماد بودن ایشان است و وثاقت ایشان زمانی قابل احراز شده تلقی می‌گردد که دادستان موافقت خود را برای صدور کارت ویژه برای ایشان صادر کرده باشد؛ بنابراین عنصر وثاقت و اطمینان در مأموری که فاقد کارت ویژه است محل شک و تردید بوده و می‌تواند آثار و توالی فاسدی را در رویه قضایی به دنبال داشته باشد.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. آخوندی، محمود (۱۳۹۵)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات دوران‌دانشان.
۲. آشوری، محمد (۱۴۰۴)، آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست و چهارم، تهران: نشر سمت.
۳. الیوت، کاترین و ورنون، کاترین (۱۳۸۲)، آیین دادرسی کیفری در انگلستان، ترجمه محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
۴. ساقیان، محمدمهدی و اسلامی، زهرا (۱۴۰۰)، «کارکردهای اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری»، دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دوره هجدهم، شماره ۲۲، پاییز و زمستان.
۵. ستاری، بهزاد (۱۴۰۴)، شرح جامع آیین دادرسی کیفری، چاپ ششم، تهران: اندیشه رشد.
۶. خالقی، علی (۱۴۰۴)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات شهر دانش.
۷. خالقی، علی (۱۴۰۴)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ پنجاه و یکم، تهران: انتشارات شهر دانش.

۸. خورشیدی اطهر، محمد (۱۴۰۳)، «تحلیلی بر جایگاه اجازه‌نامه مقام معظم رهبری مبنی بر توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح در نظام حقوقی ایران»، تمدن حقوقی، دوره ۷، شماره ۲۲.
۹. خورشیدی اطهر، محمد (۱۴۰۲)، «بایدها و نبایدهای توسعه صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح»، فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر، دوره ۴، شماره اول.
۱۰. رجبی، مرصاد و حبیبی تبار، حسین و قیوم زاده، محمود (۱۴۰۲)، «مفهوم شناسی و ضرورت وجودی ضابطین دادگستری در جرائم مشهود»، فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران، سال دوم، شماره ۵.
۱۱. شاهد، بهارک (۱۴۰۴)، «چالش‌های اساسی حمایت از بزه‌دیده در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از منظر الگوی دادرسی بزه‌دیده محور»، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم شناسی، ۲(۴)، doi: ۳۰۸-۲۸۵ 10.22034/jclc.2025.2050500.1148
۱۲. طهماسبی، جواد (۱۳۹۶)، آیین دادرسی کیفری، چاپ سوم، تهران: انتشارات میزان.
۱۳. عظیمی، کوروش و نظری نژاد، محمدرضا (۱۳۹۹)، «نقش ضابطان دادگستری و سایر شهروندان در مواجهه با جرائم مشهود: مطالعه تطبیقی با آیین دادرسی کیفری انگلیس و فرانسه»، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۱۱، شماره ۲۱.
۱۴. فتحی، محمد (۱۳۹۶)، اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (اصل یکصد و هفتاد و دوم)، تهران: انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان.
۱۵. کاظمی، سید سجاد (۱۴۰۰)، آیین دادرسی کیفری، ویراست دوم، تهران: نشر مجد.
۱۶. کاظمی، سید سجاد و دانش آرا، سجاد و احسانپور، سید رضا (۱۴۰۲)، «بازرسی پلیسی وسائط نقلیه؛ تقابل رویه پلیسی با تحقیقات مبتنی بر قانون»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۲۰، شماره ۲۵.
۱۷. کاظمی، سید سجاد (۱۴۰۵)، «امکان‌سنجی مداخله ضابط در جرائم «غیرمشهود» از رهگذر ظن معقول به وقوع جرم (مطالعه تطبیقی نظام دادرسی کیفری انگلستان)»، فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، doi: 10.22034/law.2026.2084273.1759
۱۸. معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۹۵)، مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، چاپ چهارم، تهران: انتشارات ریاست جمهوری.
۱۹. نیازپور، امیرحسین (۱۴۰۱)، آموزش ضابطان دادگستری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، فصلنامه پژوهش‌های دانش انتظامی، سال ۲۴، شماره ۳.
۲۰. وروایی، اکبر و رضایی فرد، ساسان (۱۳۹۴)، بررسی سیر تحول تاریخی ضابطیت دادگستری در نظام حقوق کیفری ایران. مطالعات تاریخ انتظامی، دوره ۲، شماره ۴.

(ب) منابع انگلیسی

21. Bailey, Carlton, author (2015). Criminal procedure: model problems and outstanding answers. New York, New York: Oxford University Press.

References

1. Akhondi, Mahmoud (2016), Criminal Procedure, Volume Two, First Edition, Tehran: Dorandishan Publications (in Persian).
2. Ashouri, Mohammad (2025), Criminal Procedure, Twenty-Fourth Edition, Tehran: Samt Publishing (in Persian).
3. Azimi, Kourosh and Nazari-Nejad, Mohammad Reza (2020), "The Role of Judicial Officers and Other Citizens in Dealing with Flagrant Offenses: A Comparative Study with the English

- and French Criminal Procedure,” *Criminal Law Research Journal*, Year 11, No. 21 (in Persian).
4. Bailey, Carlton, author (2015). *Criminal procedure: model problems and outstanding answers*. New York, New York: Oxford University Press.
 5. Elliott, Catherine and Vernon, Catherine (2003), *Criminal Procedure in England*, translated by Mohammad Reza Goodarzi Boroujerdi and Leila Moghadami, First Edition, Tehran: Jangal Publications (in Persian)
 6. Fathi, Mohammad (2017), *Constitutional Principles in Light of the Opinions of the Guardian Council (Article 172)*, Tehran: Research Institute of the Guardian Council Publications (in Persian).
 7. Kazemi, Seyyed Sajjad (2021), *Criminal Procedure*, Second Edition, Tehran: Majd Publishing (in Persian).
 8. Kazemi, Seyyed Sajjad and Daneshara, Sajjad and Ehsanpour, Seyyed Reza (2023), “Police Inspection of Motor Vehicles; The Confrontation between Police Practice and Law-Based Investigations,” *Criminal Law Teachings*, Volume 20, No. 25 (in Persian).
 9. Kazemi, Seyyed Sajjad (2026), “Feasibility of the Intervention of Judicial Officers in ‘Non-Flagrant’ Offenses through Reasonable Suspicion of the Commission of an Offense (A Comparative Study of the English Criminal Justice System).” (e735358), *Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law*, (), e735358 doi: 10.22034/law.2026.2084273.1759 (in Persian).
 10. Khaleghi, Ali (2025), *Notes on the Code of Criminal Procedure*, Twenty-Second Edition, Tehran: Shahr-e Danesh Publications (in Persian).
 11. Khaleghi, Ali (2025), *Criminal Procedure*, Volume Two, Fifty-First Edition, Tehran: Shahr-e Danesh Publications (in Persian).
 12. Khorshidi Atahr, Mohammad (2024), “An Analysis of the Position of the Supreme Leader’s Authorization Concerning the Expansion of the Jurisdiction of the Armed Forces Judicial Organization in the Iranian Legal System,” *Legal Civilization*, Volume 7, No. 22 (in Persian).
 13. Khorshidi Atahr, Mohammad (2023), “Dos and Don’ts of Expanding the Jurisdiction of the Armed Forces Judicial Organization,” *Quarterly Journal of Contemporary Legal Thought*, Volume 4, No. 1 (in Persian).
 14. Legal Affairs Deputy of the Presidency of the Republic (2016), *Collection of the Constitution of the Islamic Republic of Iran*, Fourth Edition, Tehran: Publications of the Presidency of the Republic (in Persian).
 15. Niazpour, Amir-Hossein (2022), “Training Judicial Officers in Light of the Code of Criminal Procedure 2013,” *Quarterly Journal of Law Enforcement Knowledge Research*, Year 24, No. 3 (in Persian).
 16. Rajabi, Mersad and Habibi-Tabar, Hossein and Ghayoumzadeh, Mahmoud (402), “Conceptualization and the Existential Necessity of Judicial Officers in Flagrant Offenses,” *Quarterly Journal of Contemporary Political and Social Developments in Iran*, Second Year, No. 5 (in Persian).
 17. Sagian, Mohammad-Mehdi and Eslami, Zahra (2021), “Functions of the Strategic Principles of Criminal Procedure,” *Biannual Journal of Criminal Law Teachings*, Volume Eighteen, No. 22, Autumn and Winter (in Persian).
 18. Sattari, Behzad (2025), *Comprehensive Commentary on Criminal Procedure*, Sixth Edition, Tehran: Andisheh Roshd (in Persian).
 19. Shahed, Baharak (2025), “Fundamental Challenges of Victim Support under the Code of Criminal Procedure Adopted in 2013 from the Perspective of the Victim-Centered Trial

- Model,” Biannual Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology, 2(4), 285-308. doi: 10.22034/jclc.2025.2050500.1148 (in Persian).
20. Tahmasbi, Javad (2017), Criminal Procedure, Third Edition, Tehran: Mizan Publications (in Persian).
21. Varvaei, Akbar and Rezaei-Fard, Sasan (2015). “A Study of the Historical Evolution of Judicial Officer Status in the Iranian Criminal Justice System.” Police History Studies, Volume 2, No. 4 (in Persian).

Committing a crime as a judicial officer

Review and criticism of the unanimous decision of the General Board of the Supreme “ ”Court of Iran

Abstract

According to Article 29 of the Code of Criminal Procedure, judicial officers are divided into two categories: general and special judicial officers. This division is based on their competence in all or a specific range of crimes. According to Articles 30 and 36 of this law, in order for an officer to be in the position of an “officer,” whether general or special, and for his report to have legal and judicial validity, he must meet certain conditions. Some of these conditions are related to the officer himself and some are related to the report prepared by him. According to Article 30, “obtaining the title of judicial officer” requires, among other conditions, “obtaining a special card for judicial officers.” It is clear that if he does not meet the conditions of this article, including the special card, he is not considered a judicial officer and cannot intervene in the discovery or investigation of crimes in this position. Despite the stipulation of Article 30, the General Board of the Supreme Court, in its unanimous decision No. 848, has considered persons who do not meet the requirements of Article 30 and officers who do not have a bailiff card as “officers” and has considered their crimes to be under the jurisdiction of general courts. The present study, using a descriptive-analytical method and utilizing library tools, while analyzing judicial practice, seeks to answer this fundamental question: whether persons who do not meet the requirements set forth in Article 30 of the Criminal Procedure Code, such as a special card, can really be considered “judicial officers” or not? The findings of the study indicate that Unifying Decision No. 848 is inconsistent with the teleological interpretation of Article 30 of the Code of Criminal Procedure, and its acceptance would result in extending the status of judicial officer to persons without a special card and, consequently, in granting legal validity to their actions and reports, which is contrary to citizens’ rights and freedoms.

Keywords: crime, bailiff, jurisdiction, court, special card